

رد پای جبرئیل در خانه زین العابدین(ع)

در پنجم شعبان سال 38 هجری، کودکی به دنیا آمد که امام علی(ع) او را بهترین فرد روی زمین بعد از پدرش معرفی می‌کند؛ کسی که خانه‌اش محل آمد و رفت جبرئیل امین بود.



در پنجم شعبان سال 38 هجری، کودکی به دنیا آمد که امام علی(ع) او را بهترین فرد روی زمین بعد از پدرش معرفی می‌کند؛ کسی که خانه‌اش محل آمد و رفت جبرئیل امین بود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، چهارمین امام معصوم، حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام، شخصیتی که جد بزرگوارش، امام علی بن ابیطالب (ع) او را بهترین فرد روی زمین بعد از پدرش معرفی کرده است، در مدینه منوره در سال 38 هجری چشم به دنیا گشود.

امام سجاد(ع) دارای القاب و کنیه‌های متعددی مانند زین العابدین، سید العابدین، زین الصالحین، وارث علم النبیین، وصی الوصیین، خازن وصایا المرسلین و غیره است، دوران کودکی امام(ع)، در زمان جد بزرگوارش، حضرت امیرالمومنین(ع) و عموی بزرگوارش امام حسن مجتبی(ع) گذشت، دوره نوجوانی‌اش را تا شهادت پدرش که حدود ده سال به طول انجامید، در خدمت پدر گذراند.

امام سجاد همانند سایر دیگر ائمه معصومین دارای ویژگی‌های بارزی است که در وجود نورانی ایشان متبلور است، در ادامه نگاهی اجمالی به سیمای الهی امام زین العابدین(ع) می‌پردازیم:

علم

امام سجاد (ع) همچون دیگر ائمه و رسولان الهی برخوردار از علم غیب بود، البته علم نسبی که به اذن الهی در اختیار انبیا و امامان قرار دارد؛ علمی که محدود، وابسته به علم الهی و بالقوه است.

بر این اساس راوی می‌گوید: امام زین العابدین علیه‌السلام می‌فرمود: «لَوْلَا آيَةُ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَحَدَّثْتُكُمْ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ آيَةُ؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ>>؛ «اگر یک آیه در قرآن نبود، شمارا به آنچه بود و خواهد بود تا روز قیامت، خبر می‌دادم>>، به او گفتم: ای پسر رسول خدا! آن کدام آیه است؟ فرمود: «سَخَنَ خَدَاوَنَد تَعَالَى كَهْ فَرَمُود: «هَر چَه رَا خَدَا بَخَوَاهَد مَحُو وَ تَثْبِيت مِی‌كُنَد وَ اَم‌الْكِتَاب نَزْد اَوْسَتْ>>. (تفسیر نورالثقلین)

آن حضرت زمانی هم که شخصی بر سر مسئله‌ای فقهی با وی به جدل پرداخت، فرمود: «اگر به خانه ما درآیی، رد پای جبرئیل را به تو نشان خواهیم داد. آیا کسی هست که از ما به سنت آگاه‌تر باشد>>. (زندگانی امام زین العابدین، عبدالرزاق مرقم، ص435، به نقل از فصول المختاره، ج1، ص7)

نمونه‌ای از علم غیب آن حضرت را می‌توان در برخوردش با عبدالملک بن مروان یافت، حجاج بن یوسف به عبدالملک نوشت: «اگر می‌خواهی بنیان حکومت خودت را استوار سازی، لازم است علی بن الحسین علیه‌السلام را به قتل برسانی>>. عبدالملک هم در جواب او نوشت: «از ریختن خون بنی‌هاشم خودداری کن؛ زیرا سلطنت آل ابوسفیان به واسطه کشتن بنی‌هاشم چندان پایدار نماند>>. عبدالملک نامه را مخفیانه به حجاج فرستاد، ولی چند روز بعد نامه‌ای از امام سجاد (ع) دریافت کرد که در آن نوشته بود: «از آن نامه‌ای که درباره حفظ خون بنی‌هاشم به حجاج نوشته بودی اطلاع یافتم...>>، وقتی عبدالملک نامه را خواند، دید تاریخ آن با تاریخ نامه‌ای که برای حجاج نوشته است مطابقت دارد. (اثبات الهداة، ج5، ص235)

عصمت

امام سجاد علیه‌السلام فرمودند: «اَلْاِمَامُ مِثْلُ لَايْكُونُ اِلَّا مَعْصُومًا وَلَيْسَتْ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ الْخَلْقَةِ فَيُعْرِفُ بِهَا فَلَيْذَلِكَ لَا يَكُونُ اِلَّا مَتْصُومًا. فَقِيلَ يَا اَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا مَعْنَى الْمَعْصُومِ؟ فَقَالَ: هُوَ الْمُعْتَصِمُ بِحَبْلِ اللَّهِ وَحَبْلِ اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ لَا يَقْتَرِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْاِمَامُ يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْاِمَامِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لَلْتِي هِيَ أَقْوَمُ>>؛ «امام از ما، حتما معصوم است و عصمت چیزی نیست که در ظاهر خلقت معلوم باشد تا با خلقت شناخته شود. به این جهت، امام را جز از راه نص نمی‌توان تعیین کرد>>. سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! پس معنای معصوم چیست؟ فرمود: «معصوم کسی است که به ریسمان الهی تمسک جوید و ریسمان الهی قرآن است، امام و قرآن تا قیامت از هم جدا نمی‌شوند. امام مردم را به قرآن و قرآن به

امام هدایت می‌کند و شاهدش این سخن خداوند است که «این قرآن (مردم را) به راهی که پایدارتر است، هدایت می‌کند.» (بحارالانوار، ج 25، ص 194)

معجزات

ابو خالد کابلی سال‌ها به امامت محمد حنفیه معتقد بود تا اینکه از طریق یحیی بن ام طویل توانست به حضور امام سجاد (ع) برسد، در ملاقات دوم وی، امام سجاد (ع) فرمود: «اگر می‌خواهی مقام خودم را در بهشت هم‌اکنون به تو نشان می‌دهم»، امام دستش را به چشمان ابو خالد کشید و او خود را در بهشت و کاخها و رودخانه‌های آن دید، تا آنکه حضرت بار دیگر دست به چشمان او کشید و او خود را یک مرتبه روبه‌روی حضرت دید، (دلایل الامامة، ص 91) وی سرانجام در سایه این توجهات حضرت، توفیق پیروی از امام حق را یافت.

شاکر بودن

ابوحمره ثمالی می‌گوید: امام زین‌العابدین (ع) هرگاه غذا میل می‌کرد، می‌فرمود: الحمد لله که به ما غذا داد و ما را سیراب کرد و ما را کفایت فرمود و به ما کمک نمود و ما را پناه داد و نعمت عطا فرمود و فضیلت بخشید، ستایش خدایی را که همگان را اطعام می‌دهد و کسی او را اطعام نمی‌کند. (محاسن برقی، ج 1، ص 16)

عشق به قرآن

آن حضرت می‌فرمود: «لَوْ مَاتَ مَبِیْنُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ»؛ «اگر آنچه بین مشرق و مغرب است از میان برود، پس از آنکه قرآن با من باشد، بیمی به خود راه نمی‌دهم.»

امام سجاد (ع) از خوش صداترین افراد بود و ممکن نبود کسی صدای قرآن خواندن او را بشنود و تحت تأثیر قرار نگیرد؛ لذا مؤرخان گفته‌اند: سقاهایی که از در خانه امام می‌گذشتند، می‌ایستادند تا صدای امام را بشنوند. (اصول کافی، ج 2، ص 602)

مستجاب الدعوة بودن

ثابت بنانی نقل می‌کند: من و گروهی از عبادت‌گران بصره (ایوب سجستانی، صالح مری، عتبة الغلام، حبیب فارسی و مالک بن دینار) به حج رفتیم و دیدیم مردم از شدت تشنگی و بی‌آبی در مضیقه و فشارند، آنان به ما متوسل شدند و ما به سوی کعبه رفتیم و پس از طواف، با تضرع از خدا تقاضای باران کردیم، اما دعای ما پذیرفته نشد، در همین بین جوانی که اندوه و ناراحتی در چهره‌اش پیدا بود، آمد و بعد از طواف، رو به ما کرد و گفت: مالک بن دینار و ...! گفتیم: بله! گفت: یک نفر از شما را خدا دوست ندارد؟! گفتیم: ما دعا کردیم، اجابت با اوست! او به سوی کعبه رفت و در آنجا به سجده افتاد، در سجده می‌گفت: خدایا تو را به علاقه‌ای که به من داری، اینها را از باران سیراب کن، هنوز دعایش تمام نشده بود که باران همچون دهانه مشک باریدن گرفت، گفتیم: جوان! از کجا فهمیدی خدا تو را دوست دارد؟ گفت: اگر دوست نداشت، به خانه‌اش دعوت نمی‌کرد، حال که دعوت کرده، فهمیدم مرا دوست دارد؛ لذا او را به علاقه‌اش به خودم قسم دادم، آن جوان از پیش ما رفت... از مردم مکه پرسیدم: این جوان که بود؟ گفتند: علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم‌السلام بود. (بحارالانوار، ج 11، ص 38)

عبادت

در مقام عمل امام سجاد (ع) عابدترین فرد روزگار بود، تا آنجا که مالک بن انس درباره آن حضرت می‌گفت: به من خبر رسیده که علی بن الحسین (ع) هر شب و روز هزار رکعت نماز می‌خواند (تهذیب الکمال، ج 20، ص 390) و ابن ابی الحدید می‌گفت: «کان الغایة فی العیادة»؛ (شرح نهج‌البلاغه، ج 1، ص 27) نهایت در عبادت کردن بود»، برای همین، او به زین‌العابدین مشهور شد.

امام باقر درباره پدر گرامی‌شان فرمود: «يَبْلَغُ مِنَ الْعِبَادَةِ مَا لَمْ يَبْلُغْهُ أَحَدٌ وَقَدْ اصْفَرَ لَوْنُهُ مِنَ السَّهْرِ وَرَمَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَدَبَّرَتْ جَبْهَتُهُ مِنَ السُّجُودِ وَوَرَمَتْ قَدَمَاهُ مِنَ الْقِيَامِ فِي الصَّلَاةِ»؛ (مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 148)؛ «از عبادت به جایی رسیده بود که کسی نرسیده بود، از شب‌زنده‌داری رنگش زرد و از گریه چشمانش سرخ و از سجده پیشانی‌اش برجسته و از ایستادن در نماز پاهایش دچار ورم شده بود.»